

شود. اما چرا اینقدر قصه داشتن و قصه‌گویی مهم است؟ چرا قصه اینقدر می‌تواند برای مردم جذاب باشد؟ مک‌کی معتقد است «عش ما برای داستان، انعکاسی است از نیاز عمیق بشر به یافتن الگوهای زندگی، نه صرفاً به عنوان یک عمل فکری و ذهنی بلکه در قالب تجربه‌ای کاملاً شخصی و عاطفی» (۱۱).

او داستان را معنا بخش اصلی زندگی می‌داند و می‌گوید: «داستان، نه تنها پربارترین و شایع‌ترین فرم هنری است؛ بلکه رقیبی جدی برای دیگر فعالیت‌های ما-کار، بازی، خوردن غذا، ورزش - در ساعات بیداری است. ما به همان اندازه که می‌خواهیم، گوینده و شنونده داستانیم و تازه در خواب نیز به رؤیا فرو می‌رویم، چرا؟ چرا چنین بخش بزرگی از زندگی ما درون داستان‌ها می‌گذرد؟ زیرا به قول کنت برک منتقد، داستان‌ها ابزار زندگی‌اند» (۲۱).

اندیشمندان علوم شناختی نیز از زوایای مختلف به اثرگذاری قصه بر انسان پرداخته‌اند. مثلاً فردر یک بارتلت که از پیشگامان روان‌شناسی شناختی محسوب می‌شود، در بررسی‌های خود پیرامون رابطه روایت و حافظه نشان می‌دهد خاطره بیشتر از آنکه بایادآوری سروکار داشته باشد به بازآفرینی ربط دارد. از طرفی او معتقد است ما قبل از هر چیز «نگرش» مان به رخدادهای گذشته را به یاد می‌آوریم، نه خود رخدادهای واقعی را؛ سپس قصه‌ای می‌سازیم که مقصود یا معنایش نگرشی را که به یاد آورده‌ایم توجیه کند. در واقع او معتقد است چیزی که خاطره‌ساز است قصه‌ای است



”

«داستان، نه تنها پربارترین و شایع‌ترین فرم هنری است؛ بلکه رقیبی جدی برای دیگر فعالیت‌های ما - کار، بازی، خوردن غذا، ورزش - در ساعات بیداری است. ما به همان اندازه که می‌خواهیم، گوینده و شنونده داستانیم و تازه در خواب نیز به رؤیا فرو می‌رویم، چرا؟ چرا چنین بخش بزرگی از زندگی ما درون داستان‌ها می‌گذرد؟ زیرا به قول کنت برک منتقد، داستان‌ها ابزار زندگی‌اند

که می‌سازیم نه اتفاقی که روی داده است. همچنین در حالی که میزان موفقیت و اثرگذاری انتقال پیام به میزان تبدیل شدن مفاهیم مدنظر فرستنده به معنادار ذهن مخاطب است، گادموند زدتیر معتقد است: «ما با استفاده از فرم روایی، به رخدادها معنا می‌بخشیم و به آنها انسجام، استحکام، غنا و غایت می‌دهیم.» (۳)

فردر یک دبلیو میراستاد علوم سیاسی دانشگاه دوک، روایت و داستان را مهم‌ترین و اثرگذارترین ابزار در راستای ایجاد «کنش جمعی» به عنوان موضوعی محوری در سیاست می‌داند. او با وارد کردن چالش‌هایی بر نظریه‌های انتخاب عقلانی، نهادگرایی و ساخت‌گرایی اجتماعی برای ایجاد کنش جمعی، نظریه روایت محور را کامل‌ترین نظریه کنش جمعی می‌داند.

اینجا بخشی از دلایل اثرگذاری ویژه قصه و داستان بر ذهن انسان است. در واقع قهرمان ساختن برای مردم در اولین قدم توانایی قصه‌گفتن می‌خواهد. اگر بلد بودید قصه بگویید می‌توانید امیدوار به ساخت قهرمان باشید.

افسانه جومونگ در دل این خوب قصه‌گفتن، قهرمان تخیلی خودش را ساخته است. هرمانی که ابعاد انسانی و درونی ویژه‌ای دارد. قهرمانی که مخاطب با او سمپاتی دارد. او را دوست دارد و در تک‌تک نبردها در کنار اوست. قهرمان قصه اهل شکست خوردن نیست. اهل کم‌آوردن نیست. نه از انسان‌ها شکست می‌خورد و نه از مشکلات و موانع! او به شدت عاقل است در کنار انقلابی بودن، اهل تدبیر است. اهل صبر و سعه صدر است. بقیه عجله دارند؛ ولی او با دوراندیشی بقیه را به صبر فرامی‌خواند. قهرمان به شدت خانواده‌می‌فهمد. خانواده دوست است. وفادار است. برای نجات جان بقیه جاننش را به خطر می‌اندازد. روایت جومونگ ضد قهرمان هم زیاد دارد که حس تنفر و انزجار مخاطب از تمامی آنها نشانه درستی و درآمدن قصه است. در پایان سریال، سوک